

بارقه اخلاقی و سازش کهن الگوی آرتمیس و دمتر از یونان باستان

تاریخ دریافت مقاله: شهریور ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش مقاله: مهر ۱۳۹۹

کبری رحیمی^۱، سعدالله رحیمی^۲

^۱ کارشناس ارشد، مطالعات زنان، بافت

^۲ دانشجوی دکتری، زبان و ادبیات فارسی، کرمان

نویسنده مسئول:

سعدالله رحیمی

چکیده

اصطلاح کهن الگو یا آرکی تایپ از دو واژه یونانی آرکی به معنای اصیل و تایپ به معنای مدل و الگو تشکیل شده است. مفهوم کهن الگو را کارل گوستاو یونگ وارد روانشناسی تحلیلی کرد و معتقد بود آنها محتویات ناخودآگاه جمعی و فردی را به نمایش گذاشته و افراد را برای انجام برخی رفتارها مستعد می‌کنند. پیروان روش شناسایی کهن الگوها، آنها را بر اساس باوری که یونانیان باستان به خدایان و خدابانوان داشته اند، دسته بندی و معرفی کرده اند. کهن الگوی آرتمیس و نیز، دمتر که خصوصیات زنانه آنان ترسیم می‌شود، از الگوی اساطیری این کهن الگو، درباره نگرش به الهه‌هایی است که با نام ایزدیانوان معروف بوده اند. آرتمیس، علاقه مند به طبیعت و گشت و گذار در آن و شکار کردن است و دمتر، در پیوند دوستی، عشق مادر به فرزند کوشش دارد. آرتمیس، پاکدامن و مجرد است و به دیگران وفادار می‌ماند، ولی، فاقد همدردی و حس ترحم کافی است. و دمتر، با خلف و عده دیگری ستیز می‌کند و پیروز می‌شود. هر دو الهه، هدف گرا، بی پروا و استوار و پابند به اهداف خود هستند. آرتمیس الهه حیات وحش و جریان داشتن است. او همیشه تیر و کمان با خود دارد، چون شکارچی است. استقلال و خودباوری، وابسته نبودن به مردان، توانایی در مدیریت و پیگیری اهداف از نقاط قوت آرتمیس است. سفر به سرزمین‌های ناشناخته، زندگی در فرهنگ‌های بیگانه، سفرها و اردوهای زنانه، گردش‌های دسته جمعی در طبیعت و پیوستن به کمپین‌های دفاع از حقوق زنان، کهن الگوی آرتمیس را در افراد پرورش می‌دهد. دمتر نشر می‌دهد که سخت کوشی نتیجه می‌دهد و عشق مادرانه فرزندان سالم به بار می‌آورد. شناخت این کهن الگوها به شناخت بهتر خود و دیگران و برقراری ارتباط بهتر با آنان کمک می‌کند.

کلمات کلیدی: کهن الگو، آرتمیس، دمتر.

مقدمه

کهن الگوهای احساسات، غراییز و رفتارهایی هستند که در طول زندگی بشر، بارها و بارها تکرار شده اند و اکنون به صورت الگوهای معمولی رایج رفتاری دیده می شوند. این کهن الگوهای برای نشر نور عشق، آگاهی و آرامش و خودشناسی در راه زندگی بهتر کاربرد، دارند. گویند خصوصیات کهن الگوها، خواسته و یا ناخواسته، در افراد بشر وجود دارند؛ کارهایی از جمله تمایل به جنگ و جنگجویی، جستجوگری، تامل در وضع موجود و سرکشی در برابر آنچه را باب میل نیست، که در وجود نخستینه هایی مانند زئوس، دمتر، هرا، هستیا بوده است، و شینووا، از آن ها نام می برد، دیده می شوند. جین شینووا بولن که از شاگردان و پیروان کارل گوستاو یونگ سوئیسی است، بر اساس نحوه نگرش و تفکر استاد خود که برای اولین بار به جستجو در روان انسان ها پرداخت و کهن الگوها را در روانشناسی به کار گرفت تا از این طریق به رفتار انسان ها بپردازد، در کتاب های خود ۷ کهن الگوی زنانه و ۸ کهن الگوی مردانه که برگرفته از خدایان یونان باستان هستند، را نام می برد. هر کهن الگوی می تواند منبعی برای شکلگیری یک تیپ شخصیتی باشد. این آرکی تایپ ها عبارتند از: آرتیسیس، آتنا، آفروذیت، دمتر، هرا، هستیا، پرسفونه، که کهن الگوهای زنانه و زئوس، پوزیدون، هادس، هفائیستوس، هرمس، آپولو، آرس، دیونوسوس از کهن الگوهای مردانه بر اساس نگرش یونانیان باستان و منبع ایلیاد و ادیسه هومر که نخستین اثر اساطیری و حمامی یونانیان محسوب می شود، نام بده شده اند. در این زمینه از کهن الگوی آییما و آنیموس نیز، یاد می شود. آرکی تایپ ها یا الگوهای رفتاری که انسان با کمک آن ها جهان را درک کرده و با آن ارتباط برقرار می کند، غیرشخصی هستند و در ناخودآگاه جمعی همه انسان ها وجود دارند. کهن الگوها هر کدام ویژگی های خاص خود را دارند که از طریق روش های رفتاری هر کدام، هر فرد از راه خود شناسی می رسد. منظور از خودشناسی، آگاهی به قدر و منزلت آدمی است. یعنی انسان ارزش، اندازه و قابلیت خود را درک کند و از این رهگذر به نقش خود در هستی، آگاه شود و آن گاه از سطح غریزه ها برتر آمده و به حد تأمین نیازهای معنوی برسد. مقایسه وضعیت انسان با جانداران دیگر نشان می دهد که قابلیت ها و سرمایه های آدمی بسیار شگفت انگیز است. همان گونه که نیازهای او نیز فراوان و متنوع است، مانند: نیاز به عبادت، که نشانه روح بلند و متعالی است. نیاز به یقین، که نشانه تعقل و تفکر است. نیاز به آزادی، که نشانه اراده و قدرت انتخاب است. و نیاز به آرامش و رضایتمندی، که نشانه وجود و فطرت پاک است. گستره نیازها و استعدادها فراوان است. خودشناسی یعنی فراتر رفتن از خویش و رسیدن به خود واقعی و دنیای حقیقی، در تمایل هر فرد سالمی هست. اگر انسان بتواند با کمک خداشناسی و خودشناسی به درک حقیقی از جهان خلقت برسد، راه کمال را جسته، از دنیای فانی دل کننده و مشتاق به عالم ماورا می شود. در روایت ها آمده است: هر که خود را شناخت، خدای خود را می شناسد. خودشناسی غایت و نهایت شناخت هاست که به شناخت خداوند می رسد. در کلام راهنمایان نیز، آمده است که خداشناسی و خودشناسی سودمندترین علوم است و برترین حکمت ها و سودمندترین شناخت ها، زندگی را راحت می سازد. خودشناسی جنبه اعتقادی دارد و برای تهذیب نفس و برقراری ارتباط معنوی با خدا بسیار مفید و راهگشا است. در واقع این نوع خودشناسی مقدمه خودسازی اخلاقی است. در این شناخت خود فرد با جنبه های قوت و قدرت خود، یعنی فطرت سلیم، عقل، دل و بینش آگاهس ساز و نیز، ویژگی های بازدارنده و ضعف خود یعنی خودخواهی و تکبر آشنا می شود و از جنبه های قوت خود کمک می گیرد تا بر صفت های بدش غلبه کند . نخست، برای انسان، در مسیر خداشناسی و خودشناسی، مطرح می شود، از کجا آمده است؟ آگاهی و شناخت انسان از چگونگی خلقت و جایگاه خویش که هم استعداد ترقی و رشد در او وجود دارد و هم امکان انحراف و طغیان، باعث می شود دست به انتخاب صحیح بزند. با توجه به این که بعضی نشانه ها دلالت بر عظمت انسان دارد و او را برگزیده و خلیفه خداوند و مسجد فرشتگان بر می شمرد، ولی، نشانه هایی دیگر آدمی را ضعیف، عجول و حریص توصیف می کند، آدمی نیاز دارد، بداند کیست. این خودشناسی، شناخت استعداد و توانایی یا خودشناسی خلقی است. خودشناسی خلقی مقدم بر خداشناسی و خداشناسی مقدم بر خودسازی است. انسان پس از آگاهی از سراغاز و مرحله اولیه سیر وجودی خود می تواند به معرفت آفریننده خود دست باید، زیرا، انسان وقتی خود را موجودی ضعیف و حقیر دانست و وابستگی خویش را به قدرتی لایزال احساس کرد، راهی به سوی معرفت خدا فراری او باز می شود. بنابراین خودشناسی از این جهت مقدمه و زمینه ای برای خداشناسی است. این دو پشتونه اطلاعاتی، یعنی شناخت خود و خدا، توشه راه انسان در وضعیت کنونی است و او را برای خودسازی آمده می کند. ولی، زمانی خودشناسی ضامن خودسازی خواهد بود که با شناخت مرحله سوم، سیر وجودی یعنی معاد و سرانجام زندگی، کامل شود. یکی دیگر از موضوع های مهمی که در خودشناسی و ارتباط و تقرب به خداوند نقش دارد، جاودانگی است، یعنی انسان دوست دارد که به حیات جاودان برسد، زیرا، انسان از مرگ ترس دارد، خیال می کند که با مرگ، زندگی اش به پایان می رسد. برای او زندگی از هر چیزی عزیزتر است و بالاتر از این آرزوی رسیدن به حیات ابدی است و این مهم در اطاعت خداوند و با خداشناسی و خودشناسی رقم می خورد. از این رو، انسان برای شناخت خدا به کمک شناخت

روح، نیاز پیدا می کند. انسان از سه بخش جسم، روان و روح تشکیل شده است. روح هسته مرکزی وجود انسان و جوهره اصلی اوست و از حضرت حق منشا گرفته است، و به سوی او نیز باز خواهد گشت. جسم ابزار و وسیله‌ای است که در مدت کوتاه زیستن در عالم فیزیکی در اختیار می‌باشد و امناتی بیش نیست. روان، بخش حد میان جسم و روح است. ماهیت جسم و روح بسیار متفاوت می‌باشد، جسم زمینی و روح آسمانی و تفاوت آنها به معنای واقعی زیاد است. برای همین تفاوت هاست که به راحتی نمی‌توانند کنار هم قرار گیرند، مگر آنکه چیز سومی به عنوان ربط دهنده بین آنها قرار گیرد که همان روان می‌باشد. برخی اعتقاد دارند روان حاصل روابط و تاثیرات متقابل جسم و روح می‌باشد. گمان می‌رود آن خودشناسی که منتهی به خداشناسی می‌شود، همان شناخت روح باشد.

| | |
|---|---|
| بر جهان تکیه مکن، ور قدحی می، داری انگیزه های شادی بخش و نشاط آور زندگی را لذت بخش می سازند. قناعت، آزادگی، امید، دوری از حسادت، معنویت، سحرخیزی، خویشتنداری، مهروزی به دیگران، شکیبایی، دوراندیشی، رضایتمندی، وقت شناسی، چیرگی بر عادات، بی‌نیازی از مردم، دعا و خوش‌اخلاقی، از عوامل درونی برانگیزاننده های اجتماعی شادی می‌باشند. | شادی زهره جبینان خور و نازک بدنان وجود نازکت آزرده گزند مباد به هیچ عارضه شخص تو دردمدند مباد |
| تنت به ناز طبیبان نیازمند مباد | سلامت همه آفاق در سلامت توست |

ویژگی های کهن الگوی آرتیمیس، دمتر

در کهن الگوها، خدایان اولیه موجوداتی هستند که همه نسل جهان را به وجود آورده اند. این خدایان در ابتدا شامل: کرونوس، خدای زمان؛ اربوس، خدای تاریکی؛ گایا، مادر زمین؛ هیرا، الهه نور؛ نیکس، الهه شب؛ اورانوس، ارباب آسمان؛ فانس، مظہر تولید مثل؛ پنتوس، مادر زندگی دریابی؛ تارتاروس، که به جهان زیر زمین تعلق دارد، بودند. بعد از اینها، تیتان ها که با نام خدایان قدیم، شناخته می‌شوند، پیدا شدند. و فرزندان گایا و اورانوس خوانده می‌شدند. این تیتان ها با خدایان اولیه که در زمان کرونوس جنگی میانشان شکل گرفت، شکست خورده و گویند شکل دهنده نژاد مردم اینها هستند. تیتان ها شامل: تیتان اطلس، نگهدارنده عالم؛ اورا، تیتان نسیم؛ کرونوس، پادشاه تیتان ها؛ هلیوس، خدای خورشید؛ منموسین، الهه خاطره؛ اوشنوس، خدای آب ها؛ پرسس، خدای صلح و غرور؛ فایب، تیتان پیش گوی؛ پرومتوس، خدایی که نژاد بشر را ایجاد کرده است؛ سلن، نشان ماه؛ استوکس، خدای نفرت و تمیس که تیتان ثبات، قانون و نظم جهان است. بعد از تیتان ها، غول ها ساکن شدند، مانند غول آنائوس که هر کس به سرزمین او وارد می‌شد او را می‌کشت. گریون، غولی با سه بدن، شش پا، دو چفت یال و دمی که به شکل مار بود. اوریون، غولی شکارچی بود و بعدها به ستاره تبدیل شد. پورپریون، حاکم غول ها بود. طلوس، غولی بسیار بزرگ که یک چفت بال داشت. تیتوس، غولی که به زنان آسیب می‌رساند و به وسیله آرتیمیس و آپولو کشته شد. تیفون، غول طوفان بوده است. علاوه بر این چهار دسته از موجودات باستانی در باور یونانیان باستان مردم نیز، خدایان مختلفی داشته اند که هر فرقه ای خدای ویژه داشته است. خدایان زمینی، خدایان دریابی، خدایان آسمانی، خدایان سلامتی و باروری و الهه های مختلف بوده اند که بیشتر به وسیله رستائیان و کشاورزان پرستش می‌شده اند. در اساطیر یونان غلبه بر ترس و وحشت کار پرستش را رواج می‌داده است، که کاهنان و جادوگران از این گونه پندارها بهره می‌برده اند؛ و با ساختن معابد، تلاش معاش می‌کرده اند. آرتیمیس، الهه شکار در یونان باستان است که تیر و کمان نماد اوست. در روم باستان او را دیانا می‌خوانده اند. او بزرگترین فرزند زئوس و لتو و خواست آرزوهای او را برآورده کند. آرتیمیس تیر و کمان، تعدادی سگ شکاری، تعدادی ملازم حوری، یک پیراهن کوتاه برای دویدن در صحرا، توانایی انتخاب و سرانجام باکرگی جاودانه را از پدر درخواست کرد و پدر، همه خواسته هایش را پذیرفت. آرتیمیس از شادی، همان شب به شکار رفت و خدابانوی شکار نام گرفت. او الهه ماه نیز، بود. قلمرو او طبیعت زنده و جاری بود. او شب ها، در حالی که مشعلی در دست داشت، در جنگل پرسه می‌زد و به ماه زیبای بالای سر جنگل فخر می‌فروخت.

| | |
|---|--|
| در ازل پرتو عشقت ز تجلی دم زد جلوه ای کرد رخت دید ملک عشق نداشت | عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد عین آتش شد از این غیرت و بر آدم زد |
| آرتیمیس الهه، هیچ وقت ازدواج نکرد و باکره ماند، و با علایق خود چنان نشان داد که شکار و ماه و نماد روح آزاد زنانه است. حس دست نخوردگی و کمال در خود و ذهنیت این که یادآوری می‌کند: می‌توانم از پس زندگی خود برآیم، که همان شعار خواستن توانستن است، از ویژگی هایی است که به زن فرصت می‌دهد تا آزادانه، مستقل و بی نیاز از وجود و تایید مردان عمل کند، و نزدبانی برای بالا رفتن مردان نشود. او بی دریغ به کسانی که از او کمک می‌خواهند، یاری می‌رساند و کسانی که او را | |

آزار می‌دهند، تنبیه می‌کند. در گروه زنان الهه‌ای که در یونان باستان وجود دارند، دمتر، نماینده حاصلخیزی و نیز، زیبایی است و بدین سبب است که خواستگاران فراوان دارد و بر خلاف الهه آرتمیس که دوست دارد، مجرد باشد و در طبیعت بچرخد، او دوست دارد، عشق ورزی کند. دمتر، دختر کرونوس و خواهر زئوس بود و پیش از زئوس متولد شده بود، قیافه بسیار زیبایی داشت و تنها گیسوان طلایی وی از زیبایی وی می‌کاست. دمتر که رومیان او را با نام سرن می‌خوانند، الهه حاصلخیزی است، که نماد او خوش گنند. او زنی بسیار زیباست و در گروه الهه‌ها، مانند زهره عشق ورزی می‌کند، عشقی که در آن هوس بازی نیست، همچنین او مغور هم هست ولی، نه به خودخواهی و سختگیری هر، که متکبر است. اهمیت این الهه در عین آنکه مظہر باروری و حاصلخیزی است، بزرگترین مظہر و نماینده مادر و روح فداکاری است. دمتر، الهه باروری، جوانه، کشاورزی، برداشت و خلاقیت و از آرام ترین خدایان یونان باستان بوده است. او حمل کننده خوش‌های ذرت است که حاصل برکت زمین می‌باشند و نوبت شادی و زندگی بهتر را در خود دارند. دمتر زنی بالغ است که با پوشش محکم و حجاب سراسری خود الگو دهی دارد. او همچون آرتمیس دوستدار طبیعت و حیوانات مفید جنگل است. او نماد فرزند دوستی است. او از بعده‌دی گریزان است و آنجا که زئوس بدون اجازه اش دخترش را به هادس می‌دهد، بسیار از او می‌رنجد و هشدار می‌دهد که زندگی را بر آنان سخت خواهد کرد. و چنین نیز، می‌کند که در فرجام، با مشورت خدایان و الهه‌ها، او راضی می‌شود با دیدن دخترش از فشار خشکسالی کم کند، و برای همیشه قدرت زنانگی خود را به رخ زئوس و خدایان المپ نشین نشان می‌دهد. دیمیتر نماد مادری است؛ او مادر زمین است، اما نه همه زمین، بلکه ایزد بانوی بخش حاصلخیز زمین است که غذا تولید می‌کند. بخشی از یک زن چه به عنوان مادر و چه به عنوان همسر و حتی، در محیط کار از دیگران مراقبت کرده و به آنان رسیدگی می‌کند.

دیمیتر الهه زمین و باروری و نماد میل به زایش و پرورش است. او ارزی بخش زندگی همه موجودات زمین است. الهه دیمیتر بخششده ترین خدا بانو در میان اساطیر یونان باستان است که در مقام خدابانوی غلات، باعث برکت و فراوانی در طبیعت می‌شود. کهن الگوی دیمیتر سه نقش اصلی دارد: مادر است، یعنی مادر پرسفونه است، روزی دهنده و بخشاینده است، به مثابه خدابانوی غلات، و حافظ قداست و روحانیت است. او بیشتر از دیگر خدابانویان مهربان و پرورش دهنده است. همه این صفت‌ها باعث می‌شود کهن الگوی دیمیتر برانگیزاننده تمایل شدید به مادر شدن باشد و مهرورزی، فداکاری و بخشندگی به دنبال آورد. کهن الگوی دیمیتر فطرتی قدرشناص و مهربان دارد، و در عین حال محکم و قابل اتکاست و خصلت حمایت گرانه افراطی او باعث فرسوده شدنش می‌شود. این آرکی تایپ از دسته آرکی تایپ‌های آسیب‌پذیر است که عشق مادری را حمل می‌کند. متعالی ترین تصویر در ذهن کهن الگوی دیمیتر تصویر شیر دادن مادر به فرزند است. کارایی نداشتن مهرمادری دیمیتر او را افسرده می‌کند و در صورتی از آن رهایی خواهد یافت که خدابانویان دیگر از جمله دختر دیمیتر یعنی پرسفونه را بنا بر شرایط در خود فعال کرده و مهر مادرانه دیمیتری را در مورد خودش به کار گیرد. بازگشت الگوی جوانی به افسرده‌گی او پایان خواهد داد و درک می‌کند فردی توانمند با دریابی از آگاهی و درک معنوی است. زمانی که دیمیتر افسرده یا سوگوار باشد، بخش ویرانگر خود را نشان می‌دهد، در این صورت دست از رفع نیازهای دیگران کشیده و به شکلی افراطی همه چیز را از فرزندان و اطرافیان خود دریغ می‌کند؛ مادر دیمیتری این حالت را با حس بی اعتمادی به فرزندان و عدم پذیرش آنان نشان می‌دهد. اگر کهن الگوی دیمیتر در یک زن قوی باشد، آن زن شخصیت به شدت مادرانه ای خواهد داشت و اگر نتواند به کارهای مادرانه خود در زندگی تحقق بخشد، دچار حس پوچی و افسرده‌گی می‌شود. دمتر مادری نمونه است. در مورد دیگران سخاوتمند بوده و به مسائل مرتبط با اطرافیانش اهمیت می‌دهد. علاقه شدیدی به فرزنددار شدن دارد. در روابط خود فداکار، حامی و یاری‌رسان است. فداکار و پاییند به اصول اخلاقی است و همیشه در حال خدمت کردن و رسیدگی به دیگران شاد می‌شود. زن دیمیتری به سادگی به دیگران نه نمی‌گوید و درخواستشان را رد نمی‌کند. زنان دیمیتری، هنگام حمایت از دیگران، چه فرزندان خود باشند، چه کارمندان یا همکاران و هر کسی که نشان دهد به او نیازمند است، احساس رضایت و کمال می‌کنند. اطرافیان و فرزندان زن دیمیتری بیشتر بی مسئولیت بار می‌آیند، چون همیشه به آن‌ها سرویس داده شده و تحت کنترل و مراقبت زن دیمیتر تایپ بوده‌اند. زن دیمیتری بسیار کنترل‌کننده است و ترجیح می‌دهد دیگران همیشه به او وابسته باشند. زن دیمیتری، معتقد است اگر به فرزندان و اطرافیان خود فضایی برای استقلال بدهد، ممکن است از او دور شوند. شخصی که به شدت تحت تاثیر کهن الگوی دیمیتری است، روزی که احساس کند فرزندانش دیگر به او نیازمند نیستند، احساس پوچی می‌کند. شیر دادن به فرزند، تهیه خوارک و آشپزی برای خانواده، برای زن دیمیتری احساس رضایت ایجاد کرده و او را در حس مادری غوطه ور می‌کند. زنان دمتری، دستپخت خوبی دارند و عاشق مهمان و مهمانی دادن هستند. در جایی که مصلحت فرزندان مطرح باشد لجاجت، برباری و ایستادگی خصوصیاتی است که در این افراد می‌توان مشاهده کرد. این پایداری، از نوع مقاومت در برابر خواسته خود، در زنان آرتمیسی هم وجود دارد. آرتمیس در مقابل عشق مصون است و

دلبستگی عاطفی نمی‌تواند مانع پیگری خواسته هایش شود. جنبه باکره بودن آرتمیس به آن بخش از روان زنان اشاره دارد که زیر سلطه و تملک مردان نرفته و از تایید آنان بی نیاز است. آرتمیسی تن به ازدواج نداده، اغفال نشده و زیر نفوذ قدرتمندان نمی‌رود. بر مبنای این کهن الگو، حس ارزشمندی زن، نه از ازدواج کردن یا همسر فرد خاصی بودن، بلکه، از هویت و اعمال خودش گرفته می‌شود. کهن الگوی آرتمیس قدرت درونی به زن می‌دهد که بتواند دور از نیازها و رقابت‌های دیگران بر هدف خویش تمرکز کند. او با جدیت اصول اخلاقی و ارزش‌های خود را دنبال کرده و در رسیدن به خواسته هایش محدودیتی برای خود قائل نیست. این آرکی تایپ بدون نگرانی از قضایت دیگران آن کاری را که دوست دارد، انجام می‌دهد و گاهی همین کار باعث می‌شود هم از عواطف و غرایز خود و هم از رابطه و پیوند با دیگران دور شود؛ این روح متعالی زنانه که در آرتمیس وجود دارد، در دمتر نیز مشاهده می‌شود؛ آنچا که سر تعظیم و تسلیم در برابر خواسته زئوس که فرزندش را بدون اجازه او به دست هادس سپرده است، از خود نشان می‌دهد و اعلام می‌کند که هر آنچه را که خواست مردان خودخواه است، نمی‌پذیرد و استقلال فکری و عشق مادرانه خود را بر همه چیز برتر می‌داند، نشان از کیاست است.

ای دل اگر از غبار تن پاک شوی

تو روح مقدسی، بر افلاک شوی

کایی مقیم خطه خاک شوی

عرش است نشیمین تو، شرمت ناید

کهن الگوی آرتمیس، بیانگر ویژگی هایی چون رهایی از قید و بند قضایت مردان، حمایت از مظلومان و کودکان و جنبش‌های زنان است. کهن الگوی آرتمیس زنان را از نقش های سنتی خود می‌کند و مبارزه اصلی آن‌ها در زندگی احترام و فداری به خویشن و سازگاری با زندگی در دنیای مردان است. کهن الگوی آرتمیس نیز مانند کهن الگوی دمتر، آتنا و هستیا، نماینده رابطه گریزی و استقلال روانی زنان است. این آرکی تایپ انگیزه های درونی زنان برای رشد استعدادها، پیگیری علائق، بیان خویش از طریق هنر و شکل‌دهی و هدایت ذهن و تفکر است. او نقش رهبر و خواهر بزرگتر را دارد. اگر او از تحقیق و بیان خویش بازماند، مضطرب و افسرده خواهد شد. آرتمیس، مانند دمتر، رابطه ای معنوی با طبیعت دارد. آرتمیس گردش در جنگل و طبیعت را نشان نشاط و شادابی می‌داند و دمتر نیز، کشت و کار و آبیاری بر زمین طبیعت را برای باروری و حاصلخیزی آن به کمک باران و نسیم های بامدادی آن بربط زن می‌داند. زنانی که در زندگی با طبیعت احساس یگانگی کرده و همواره به دنبال فضایی برای خویشن هستند تا از تنهایی و خلوت خود لذت ببرند، با آرتمیس یا دیگر الهه های باکره یعنی هستیا و آتنا آشناشی و نزدیکی حس می‌کنند. زنان روستایی و دانایانی که در زمرة بینش طبیعت گران جای دارند، از کهن الگوی آرتمیس، آتنا و هستیا، عشق به زندگی و فرزندآوری را از دمتر و الهه های همنوع و همراه او، با آغوش باز به استقبال می‌نشینند. جشن الوزیس یونانیان که هر سال برگزار می‌شود در حکم مراسم حج مسلمانان است. و در آن فقط کاهنه ها و دخترانی که در خدمت معبد بودند، شرکت می‌کردند و در قسمت هایی از جشن نیز مردانی در مراسم شرکت می‌کردند که آنچه بین این مردان و دختران می‌گذشت جزو رازهای الوزیس بود. این جشن به خاطر اهمیت خاص دمتر بود. هر سال هزاران نفر از سراسر یونان برای حضور در این جشن به آنچا می‌آمدند. در نماد و الگوی دمتر که الهه حاصلخیزی به شمار می‌رود، بخش جفت پذیری زن به موضوع زندگی اشاره دارد که می‌گوید: به تنهایی نمی‌توان بار سنگین زندگی را بر دوش حمل کرد و نیاز به همراهی است که وقتی خسته شدی و تاب و توانست کاسته شد از همراهت بخواهی آن بار را بردارد و ادامه دهد تا هر دو در زمان معین و به سلامت به مقصد برسند. دمتر با کوشش خستگی ناپدیر و توان اخلاقی و ارزشی که در خود جمع کرده است به دنبال خواسته های دخترش بیش از خود است و در این راه تمام کوشش خود را به کار می‌گیرد. این آرکی تایپ از دیگران کمک می‌گیرد تا در شورای خود او را کمک کنند. او از عواطف و غرایز خود در رابطه و پیوند زندگی مشترک به خوبی استفاده می‌کند. مشعلی که او همیشه در دست و به همراه دارد، نماد روشنی بخشی به زندگی است.

دمی با غم بسر بردن جهان یک سر نمی ارزد
به می بفروش دلق ما، کزین بهتر نمی ارزد

آرکی تایپ آرتمیس معرف شخصیت زنانه مستقل و رها از قید و بند است. در کهن الگو، آنیما و آنیموس به هم لطف دارند، یعنی روح زنانه مرد و روان مردانه زن در کارها به هم کمک می‌کنند. او جنگجویی است که با انرژی مردانه اش یکی شده و برای پیش بدن زندگی خود نیاز ندارد مردی در کنارش حضور داشته باشد. آرتمیس تایپ‌ها اغلب در میان حامیان حقوق زنان و حامیان محیط زیست دیده می‌شوند. در کهن الگوی آرتمیس این نشان‌ها بیشتر نمود دارند: شخصیت به جای برآوردن انتظارات دیگران و پیروزی از آنان، زندگی اش را در مسیری هدایت می‌کند که در آن احساس رضایت و کمال کند. در این الگو، شخصیت‌ها، هدف گرا، بی‌پروا، هیجان طلب، ماجراجو و مستقل هستند و در برابر هجمه مردان کم نمی‌آورند و نقش ضعف و سستی را از خود دور می‌کنند. اینها عاشق طبیعت بکر بوده و در آن غرق می‌شوند، تا به اکتشاف در آن بپردازند. چون در طبیعت با چیزهای غیر قابل پیش بینی و انتظار مواجه می‌شوند، سریع عکس العمل نشان می‌دهند، از این رو درباره آنان گفته می‌شود خلق و خوی تندی دارند. پرسه زدن در طبیعت آنان را به سوی دوین می‌برد و بدین ورزیده و قوی پیدا

می کنند. عاشق آزادی هستند و دوست ندارند هیچ چیز و هیچ کس آنها را محدود کند. به حرف دیگران درباره خود کم توجه هستند. دلسوز، حامی و مهربان هستند و در عین حال می توانند خشن و محکم باشند. یکی از ویژگی های زن آرتمیسی فاصله گیری عاطفی است، اما در درون ظرفیت هایی برای صمیمیت و زیبایی دارد. خلف وعده و رفتار نادرست دیگران، آنان را خشمگین می کند. زن آرتمیسی نگاه فمینیستی دارد و با اینکه از زنان ضعیف خوشش نمی آید، وقتی ببیند مورد ظلم قرار گرفته اند، واکنش نشان داده و از آنان حمایت می کند. حامی حقوق زنان و کودکان هستند. آنان مردان و زنان قوی را تحسین می کند. از مردان ضعیف متنفر است و در محیط کار تنها می تواند با مردان قوی کار کند. به دیگران وفادار و ناجی است، اما فاقد همدردی و حس ترحم کافی است. قادر است نظرات خود را مطرح کند و تلاش می کند به آنچه می گوید عمل کند. یک دختر آرتمیسی اغلب با مردان بر سر حقوق زنان کل کل می کند. او از مصاحبت با اطرافیانش لذت برده و اهداف خود را به اشتراک می گذارد، اما در عین حال هویت مستقل خود را حفظ می کند. زن آرتمیسی با مرد به راحتی ارتباط برقرار کرده، اما وارد روابط عاطفی نمی شود. سنت شکن است؛ ویژگی که در خیلی از جوامع سرکوب می شود. نوجوانی او حتی بعد از بزرگسالی در درونش ادامه دارد. شغلی را انتخاب می کند که به آن علاقه داشته و نسبت به انجام آن شور و اشتیاق داشته باشد. فکر اقتصادی دارد و در صورت مدیریت محکم رفتار می کند. انرژی جنسی او بیشتر متمایل به تفریح و ورزش است تا رابطه جنسی. فعالیت های اجتماعی را به کار در خانه ترجیح می دهد و تن به ازدواج نمی دهد. ازدواج کردن و بچه دار شدن به رغم انتظارات فرهنگی جامعه از نیازهای ضروری آرتمیس نیستند. اگر به اندازه کافی از طبیعت سیراب نشود، افسرده می شود. یک کودک آرتمیسی به ظاهر مانند پسر بچه ها رفتار می کند، اما او از دختر بودن خود راضی و شادمان است. او لجباز است و حرف خودش را می زند و از بچه های ضعیفتر حمایت می کند. از بازی و کاوشن در طبیعت لذت می برد و از حیوانات مراقبت می کند. اگر والدین او مانع برای انجام کار مورد علاقه اش باشند یا او را چون دختر است از کاری بازدارند، اعتراض خواهد کرد و خشمگین خواهد شد. مخالفت با او به اعتماد به نفس و عزت نفس او لطمہ می زند. اگر مادر او ضعیف باشد دختر آرتمیسی برای اینکه همانند مادرش نباشد آنچه به نظر زنانه می رسد؛ همچون لطفاً، پذیراً بودن و تمایلات زناشویی را در خود سرکوب می کند. نوجوان آرتمیسی شجاع، بالراده، مصمم و رقابت جو است و برای خود محدودیتی قائل نمی شود. او عاشق کارهایی چون خوابیدن زیر سقف آسمان، گشتن در جنگل، کشف جاهایی که از دید پنهان مانده، کمانگری و اسب و اسب سواری است. نیازی به تایید دیگران ندارد و برای همین کمتر از همسالان خود همزنگ دیگران می شود. اطمینان به خود او باعث می شود در نظر دیگران کله شق و عاری از زنانگی به نظر برسد. او به دنبال مدرک تحصیلی نیست، ولی، دوران دانشگاه می تواند مکانی باشد که انگیزه های فراگیری و آموختن را در او زنده کرده و حس آزادگی به او بدهد. او معمولاً در گروه های دوستی حضور دارد که مانند خودش هستند و اگر وارد مسائل سیاسی اجتماعی شود خیلی محتمل است که نقش رهبری را بر عهده گیرد. آرتمیس تایپ ها در اکثر رشته های تحصیلی می توانند موفق باشند. در همه رشته های مرتبط با ریاضی و تحریری و رشته هایی چون وکالت، مدیریت، روان شناسی و روزنامه نگاری در علوم انسانی. رشته های هنری مثل نویسنده‌ی، کارگردانی، گرافیک و موسیقی و ورزش های قهرمانی نیز مناسب آرتمیس هاست. زن آرتمیسی، برای حرفة ای کوشش می کند که برایش ارزش درونی داشته باشد، در این صورت است که رقابت و مخالفت نمی تواند مانع کار او باشد. با اینکه استقلال مالی برایش مهم است، اما گاهی علاقه اش آنقدر شخصی و متفاوت می شود که سبب می گردد در روابط و عوامل پیشرفت در دنیای امروز موفق نباشد. با این همه از تلاش و پیگیری خود احساس رضایت دارد. آرتمیس محل کارش منظم است و انتظار ندارد کسی در ساعت کاری وقت تلف کند. همه را به کار فرا می خواند و مردان در محل کار از او حساب می بینند. زن آرتمیسی اگر دیگر کهن الگوها را در خود پرورش ندهد، ممکن است دچار بحران میانسالی شود. در این دوران در رسیدن به اهدافش یا موفق بوده و یا با شکست مواجه شده است، در هر صورت میانسالی موجب تحول درونی در او شده و این بار آرتمیس نه به عنوان الهه شکار که در مقام ایزدبانوی ماه او را به درونگری متمایل می کند و می تواند احساسات و تمایلات طرد شده خود را بیابد. یک آرتمیس تایپ در دوران کهننسالی هم تحرک جوانی خود را حفظ کرده و به همین دلیل خیلی خوب با جوانان همفرکری و همراهی می کند. او در میانسالی هم تمایل دارد به جاهای مختلف جهان سفر کند. آرتمیس نسبت به همجنسان خود حس خواهرگونه دارد و دوستی با زنان دیگر را مهم می داند؛ دوستی هایی که می تواند سالها دوام داشته باشد. بیشتر آرتمیس تایپ ها به طور معمول، فمینیست هستند و خیلی احتمال دارد که به گروه های حمایت از زنان پیوسته یا در این زمینه فعالیت کنند که نشان دهنده کهن الگوی خواهر در زن آرتمیس است. زن آرتمیسی با اینکه از زنان ضعیف متنفر است، ولی، از آنان در مقابل مردان دفاع می کند. زن متاثر از کهن الگوی آرتمیس همیشه کوشش می کند با مردان رقابت و برتری خود را ثابت کند. او از کل کردن با مردان و نشان دادن برتری خود بر آنان، لذت می برد. یک آرتمیسی خالص در رابطه با مردان نمی تواند بعد زنانه خود را نشان دهد. او خود را با مردان برابر می داند و کلیشه های جنسیتی را پس می زند و افکاری چون هوش خود را

پنهان کن یا بگذار مرد برنده شود، هرگز با طبیعت او سازگار نیست. آرتمیس تایپ‌ها از مردان سلطه گر خوشنان نمی‌آید، سربلند هستند و هرگز حاضر نیستند، نقش زن فرمانبر را برای مرد بازی کنند. روابط زن و مرد از گونه روابط مادر پسری را نیز، نمی‌پسندند. آنان به مردانی که مدام سعی می‌کنند برای زنان جلب توجه کنند هم علاقه‌ای نشان نمی‌دهند. آرتمیس خواهر دوقلوی آپولوست و مردان آپولوی، می‌توانند دوست، همکار یا همسر آرتمیس باشند. مردانی که طبیعت زیباشسانه داشته و به موسیقی و خلاقیت گرایش دارند، برای آرتمیس جذابند. فعالیت‌های مشترک ورزشی در طبیعت نیز جزئی از رابطه آرتمیس و آپولوست. برای بیدار شدن تمایلات جنسی آرتمیس، لازم است تا کهن الگوی آفرودیت در او فعال شود و حضور آرکی تایپ‌ها، کمک می‌کند، ازدواجی متعهدانه و تک همسری داشته باشد. آرتمیس رابطه با مردان مهربان و حمایتگر را نیز، دوست دارد. چنین مردانی لطفات را در آرتمیس زنده کرده و دوست دارند از او بچه داشته باشند. زنان آرتمیس تایپ همچنین دلباخته مردان قوی می‌شوند، اما اگر نتوانند حس رقابت جویی خود را کنترل کنند رابطه شان دوامی نخواهد داشت. اگر زن آرتمیسی در رابطه ای نامناسب قرار بگیرد که همسرش همان نقش پدرش را در زندگی او بازی کند و نه تنها او را در رسیدن به اهدافش یاری نکند، بلکه با انتقاد نیروی او را تحلیل دهد، باعث می‌شود آرتمیس ستیزه جویانه رفتار کرده و روانش از درون شکسته شود؛ در نهایت ممکن است به همان زنی تبدیل شود که خواست شوهر بوده است. شاید آرتمیس فاقد روابط عاطفی صمیمانه و متعهدانه در زندگی خانوادگی باشد، اما روابط خواهر و برادرانه ای با اطرافیان خود دارد. او رابطه خوبی با کودکان برقرار کرده و با آنان خوش می‌گذراند. مرد با اعتماد به نفسی که نشان دهد برای زن آرتمیسی سودمند است، از اهداف و برنامه‌های خود بگوید، محکم و شجاعانه حرف بزند، مدافعانی حقوق زنان و مردان باشد، به توانایی‌های آرتمیس اعتماد داشته باشد و با زنان با احترام برخورد کند، می‌تواند زن آرتمیسی را جذب نماید. از این رو، مرد خواستار زن آرتمیسی، باید با لحن تند و واکنش‌های ناگهانی آرتمیس کنار بیاید. به طور کلی مردانی که از استقلال شخصیت، ویژگی‌های متفاوت و غیرکلیشه ای زنان، اصالت، پاکی و یگانگی با طبیعت را دوست دارند جذب زن آرتمیسی می‌شوند. آرتمیس نوعی جذابیت جنسی غیر شخصی دارد که ناشی از نیمی زیبایی و نیمی سردی خدابانوی ماه است که برخلاف بی‌اعتنایی مشهود در او و عاطفه سردش، مردان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. آرتمیس تایپ‌ها معمولاً تن به ازدواج نمی‌دهند. آنان مجرد می‌مانند، چون نمی‌خواهند آزادی شان محدود شود و بیشتر درگیر آرمان‌ها یا حرفة خود هستند. اگر ازدواج کنند معمولاً ازدواجشان دوستانه و غیر جنسی است مگر، اینکه سایر کهن الگوها را در خود فعل کرده باشند. اولین خدایی که خواستار دیمیتر شد پوزئیدون بود که مدت‌ها در گوش او زمزمه عاشقانه خواند اما، دمتر حاضر به تسليم در برابر او نشد. دمتر برای در امان ماندن از شر او به آکاری گریخت و به صورت اسی در آمد و جزو اسب‌های اصطبل شاه شد. پوزئیدون وقتی که جای او را یافت، خود را به شکل اسی در آورد و با او در آمیخت و حاصل این آمیختن اسی شد که مثل آدم حرف می‌زد و دستهایش به شکل انسان بود. دیمیتر بعد از ناتوانی در برابر حراست از خود، به غاری دور دست پناه برد و خود را در چشم‌های لاؤن شست و سپس بعد از پاک شدن از بدستگالی پوزئیدون به اولمپ بازگشت. اندکی بعد زئوس، خدای خدایان به او چشم طمع دوخت. دیمیتر در برابر او نیز مقاومت کرد اما، زئوس خود را به صورت گاو وحشی در آورد و با او در آمیخت و کورئا متولد شد. اما خود دیمیتر نیز، از حرارت عشق عاری نبود. او یکبار عاشق یازیون یکی از پهلوانان شد و در کشتزاری خود را تسليم او کرد و از او صاحب فرزندی بنام پلتوس شد. زئوس، نیز، از روی حسادت او را با صاعقه تبدیل به خاکستر کرد. زن آرتمیسی چه به خاطر تغییر شکل در انداشتن، چه به خاطر نداشتن حس غریزی مادری از حاملگی متنفر است، مگر اینکه کهن الگوی دیمیتر را در خود پرورش دهد. او از اینکه فرزندی نداشته باشد، ناراحت نمی‌شود، اما بچه‌ها را دوست دارد و اگر بچه دار شود مادر خوبی خواهد بود. کهن الگوی آرتمیس ناجی و حمایتگر است و همین حمایتگری را برای فرزندانش نیز داشته و تا پای جان از آنان دفاع می‌کند، در عین حال استقلال و خودکفایی را در آنان پرورش می‌دهد.

به راه بادیه رفتن، به از نشستن باطل
و گر مراد نیام، به قدر وسع بکوشم

در کهن الگوی دیمیتر، زنان دمتری در طول زندگی خود، علایق مشابهی با علایق مادر خود نشان می‌دهند. کمی که بزرگتر شدند، اغلب مسئولیت مراقبت از بچه‌های اطرافیانشان را قبول می‌کنند. اگر در گروه زنان دیمیتری، کهن الگوهای دیگر همچون هر، که نماد کهن الگوی ازدواج، است و یا آفرودیت، که اسوه ای از کهن الگوی عشق، است، در آنان فعال نباشد، تمایلی به تجربه جنسی زودرس ندارند. با این حال، اغلب دیمیتری‌ها زود ازدواج می‌کنند و بیشتر از اینکه به فکر ادامه تحصیل یا کار باشند، مشتاق تشكیل خانواده اند. دیمیتری در صورت ادامه تحصیل، ترجیح می‌دهد در رشته‌های خدماتی مانند پرستاری تحصیل کند. او جاه طلب و به دنبال کسب نمرات عالی نیست. رتبه اجتماعی چندان برای او اهمیت ندارد. او در دوران تحصیل یک همکلاسی و دوست یاری‌رسان است. کهن الگوی دیمیتر زنان را برای پذیرش حرفه‌های خدماتی و پرورشی مانند معلمی، پرستاری، توانبخشی، خدمات اجتماعی و کاربردی توانمند می‌کند. آن‌ها عاشق این مشاغل هستند و در

آن به خوبی پیشرفت می‌کنند، زیرا با مهوروزی و خدمت به دیگران احساس رضایت می‌کنند. خیلی از آن‌ها به صورت داوطلبانه در مدارس، مهدکودک‌ها، خانه‌های سالمدان و بیمارستان‌ها کار می‌کنند. مسئولیت‌ها و جایگاه‌های بالای شغلی نیازهای آنان را ارضا نمی‌کند. آن‌ها به محیط کار به شکل عاطفی نگاه کرده و قوانین سخت و شرایط محیط کاری، گاهی برایشان ناراحت کننده است. رابطه شان با همکاران مثل فرزندان یا اعضای خانواده خود است؛ با آن‌ها همدردی کرده و از آن‌ها حمایت می‌کنند. در جایگاه یک مدیر، رفتار یک دیمیتری باعث می‌شود، کارمندان زیر دستش از او انتظار داشته باشند که همیشه حامی آن‌ها بوده و از منافع آن‌ها محافظت کند. یک دیمیتری ممکن است در میانسالی به خاطر بزرگ شدن و مستقل شدن فرزندان، چهار احساس از دست دادن و تنها یابشید شود. تعداد دیمتری‌هایی که در میانسالی بچه دار می‌شوند، زیاد است. در پیری برخی از آن‌ها بسیار خرسند، فعال و مورد احترام دیگران هستند. آنان آموخته‌اند که کمتر اجازه دهنند از آن‌ها سوء استفاده شود و به آن‌ها وابسته شوند. بر اثر تجربه، در فرجام، استقلال و احترام متقابل را در فرزندان خود ایجاد کرده و مورد ستایش فرزندان و نوه‌های خود قرار دارند. گروهی دیگر غمگین و تلخکام هستند، زیرا، حس می‌کنند در طول زندگی مورد ظلم قرار گرفته و آرزوهایشان برآورده نشده است. کهن الگوی دیمیتری هرگز یک زن را در رقابت با زنان دیگر برای به دست آوردن یک مرد قرار نمی‌دهد. آن‌ها تنها به فرزند داشتن زنان دیگر حسادت کرده و فرزند داشتن همسن و سال‌هایشان در حالی که آنان کودکی به دنیا نیاورده باشند، در آن‌ها احساس حقارت ایجاد می‌کند. دوستی هایشان با زنان شبیه به خودشان پایدار است و بیشتر از اینکه به همسرشان تکیه کنند، از لحاظ عاطفی و مالی به دوستان مانند خودشان تکیه می‌کنند. با دختران خود رابطه نزدیک دارند و اغلب ساختار مادرسالارانه بر خانواده حاکم است. این کهن الگوی زنانه، مردان را برای ایجاد حس امنیت می‌خواهد و این امنیت در نتیجه توجه مرد به خانه و خانواده، بچه‌دار شدن و پرورش فرزندان اهمیت پیدا می‌کند. اغلب مردان را به شکل پسرپرچه می‌بینند و گاهی از روی ترحم و نگاه مادرانه به یک مرد نزدیک می‌شوند. مردان حساس، نابالغ و خودشیفته‌ای که فکر می‌کنند تنها زنشان آن‌ها را درک کرده و از بی مسئولیتی‌های آن‌ها می‌گذرد، در الگوی مادر کبیر - پسر شیفته، با زنان دیمیتری در رابطه قرار می‌گیرند. از آنجا که در رد خواسته‌های دیگران ناتوان اند، احتمال اینکه طعمه مردان سودجو شوند، بسیار است؛ مردانی که به راحتی، فداکاری‌های زن دیمیتری را فراموش کرده و فاقد حس قدردانی و حمایت هستند. مردان ستیزه جو به خاطر نقطه ضعف دیمیتری در ناتوانی از نه گفتن، از این زنان سوء استفاده کرده و ارتباط با آن‌ها این زنان را دچار مشکلات مالی و عاطفی می‌کند. مردانی که در پی الگوی مادر هستند، نیز، به سمت زنان دیمتری جذب می‌شوند. آنان همسر مهربان، مراقب و فداکار را می‌پسندند که مانند مادر، خوارک و پوشک آنان را آماده کرده، مواطن سلامتی آن‌ها بوده و برنامه هایشان را سامان دهند. شخصیت مرد خانواده که خود بالغ و ایثارگر است، به خوبی برای زوج شدن با زن دیمیتری مناسب بوده و در آرزوی آن است. بچه دار شدن مهمترین انگیزه زن متأثر از کهن الگوی دیمیتری برای ازدواج است. بارداری برایشان زیباست و گاهی با همسر خود نیز، مانند فرزندان خود رفتار می‌کنند. امیال جنسی برای دیمتری تایپ چندان اهمیت ندارد و نسبت به آن ذهنیتی عفیفانه دارد. شخصیت قوی، صمیمی و مهربان او یک آگوش گرم فراهم می‌کند و رابطه جنسی را نیز، پاسخی به نیاز و خواسته همسر خود می‌داند. برای برخی از آنان شیر دادن به فرزندان از رابطه جنسی لذت‌بخش‌تر است. قوی ترین رابطه برای کهن الگوی دیمیتری، پیوند مادر و فرزند است. او به راحتی نمی‌تواند فرزند همسر خود را پیدا کرد و نیاز دارد خودش کودکی به دنیا بیاورد. آنان خود را مادر نمونه می‌دانند که تنها آرزویشان سلامت فرزندانشان است. فرزندان در ابتدا از لحاظ جسمی به مادرشان وابسته‌اند، با بزرگتر شدن نیاز به حمایت عاطفی و فکری مادر دیمیتری خود دارند و سرانجام، در شرایط اندوه و نالمیدی در زندگی دانایی مادر دیمیتری تایپ به کمک آنان می‌آید.

یکی از اضطراب‌های دائمی آنان ترس از دست دادن فرزند یا ربوه شدن آن است و به همین علت، فرزندان خود را محدود می‌کنند. مادر دیمیتری خود را مسئول هر اتفاق ناخواشانیدی می‌داند که برای فرزندانش رخ می‌دهد. از خودش توقع آگاهی از همه چیز و توانایی پیش‌بینی هر حادثه‌ای را دارد که ممکن است برای فرزندانش پیش ببیند. دیمیترهای افراطی به شکلی با فرزندانشان رفتار می‌کنند که گویی بند ناف کودک از لحاظ روانی بریده نشده است. این مادران نمی‌توانند به فرزندان خود، نه بگویند و باعث می‌شوند آن‌ها ناسازگار و متوقع بار بیایند. بیشترین دلیل اهمیت دیمیتر الهه به خاطر جنبه مادرانه وی است، او به دخترش کورئا علاقه خاص و شدیدی داشت. یک روز کورئا با همباری‌های خود مشغول بازی بود و گل می‌چید. وقتی او گل زیبایی دید به طرف آن دوید، وقتی دستش را دراز کرد تا آن را بچیند، هادس، ارباب دوزخ از آن ببرون آمد و دختر جوان را به داخل قلمرو خود کشید. دمتر از دامنه اولمپ فریاد‌های دخترش را شنید و فهمید که به خطی دچار شده است ولی، هیچ کاری از دستش بر نمی‌آمد. اندوه فراوانی قلبش را فرا گرفت با مشعلی که در دست داشت، روزه همه تاریکی‌ها را به دنیال دخترش می‌گشت. سرانجام از هلیوس که نیم خدایی بود، کمک خواست. هلیوس گفت که تقصیر با هادس نیست، زیرا، زئوس مدت‌هاست که وعده زناشویی با کورئا دخترش را به او داده است و او فقط نامزدش را به قلمرو خود برده است.

از بtan آن طلب ار حسن شناسی، ای دل

با شنیدن این خبر دیمتر تصمیم می‌گیرد دخترش را بازگرداند. دمتر از اولمپ قهر کرد و رفت و به شکل پیر زنی در آمد و در راهی نشست، که به حیرانی ختم می‌شد، زیرا نمی‌دانست به کجا می‌رود. ناگا، چهار خواهر که برای آوردن آب به سر چشمde رفته بودند، تا از مظہر آب، آب و روشنایی به خانه آورند، او را دیدند و از او پرسیدند که او کیست و در اینجا چکار می‌کند؟ دمتر که نور امیدی یافته بود، به آن دختران جوان گفت که از ترس برده گرفته شدن به دست دزدان دریابی به آنجا پناه آورده است. دختران کم تجربه حرفش را باور کردند، تا پیروان کهن الگوی تیپ شخصیتی دیمیتر در گذر زمان با تجربه آموزی، روح و روان خود را کمال بخشند. دختران جوان به او ترحم کردند و او را به خانه شان بردند و مادرشان نیز، از او به خوبی استقبال کرد. آنها برای پذیرایی به او شراب و عسل دادند ولی، او از خوردن آن امتناع کرد و در عوض آبجو و نعناع خواست که آنها نیز، برایش آورند. دمتر برای سپاسگزاری از میزبان خود، کودک کوچک پیزمن را برداشت و در آتش گرفت، با این کار زن و دختران و کودک خوشحال شدند. دمتر هر روز کودک را با روغن بهشتی تدهین می‌کرد و شب او را به درون آتش فروزان می‌گذاشت و به این وسیله می‌خواست آن پسرک جوانی جاودان بیابد. ولی، یک شب وقتی مادر کودک صحنه را دید، ترسید و بر سر دمتر فریاد کشید و دمتر نیز، چهره واقعی خود را نشان داد و سپس از آنجا رفت. سپس آنها در آنجا عبادتگاهی برای دمتر ساختند. دمتر در ادامه حرکت و زندگی خود، به قصر کلئوس پادشاه الوزیس رفت و پرستار نوزاد او شد، در همان جایی که سال‌ها بعد، در آنجا معبد دمتر بر پاشد و هر سال به خاطر او امتناع کرد و پرستار نوزاد او شد، فن بهتر زندگی کردن را به مردم یاد می‌داد. مدت‌ها قبل دمتر فن شخم زنی را به پسری آموخته بود و همه مردمان جهان را با فن شخم زنی و خرمکوبی آشنا کرده بود. وقتی دمتر به الوزیس رفت، تصمیم گرفت نسل مردمان را از بین ببرد تا زئوس فرمانروا نباشد. قحطی و خشکسالی همه جا را فرا گرفت، مردم از روی ناچاری به جانب خدای خدایان رفتند. زئوس، ابتدا دخترک خوش زبانی را برای راضی کردن دمتر فرستاد ولی، دمتر به او گفت تا دختر خود را پس نگیرد، هیچ میوه و گندمی را روی زمین نخواهد رویاند. زئوس، هرمس را به دوزخ فرستاد تا به هادس پیغام دهد که دخترش کورئا را باز گرداند و هادس نیز، قبول کرد. هادس، قبل از باز گرداندن کورئا چندیدن دانه انار به او خوراند که در یونان مظہر زناشویی شد و این خاصیت را القا می‌کرد که زن و شوهر جدایی ناپذیرند و ازدواج آنها به صورت مقدس است. پس از اینکه دمتر، دخترش کورئا را پس گرفت، حاصلخیزی را به زمین باز گرداند و علم خدایی خویش را به پادشاهان و مغان آموخت و رازهای الوزیس را به کاهنان معبد خویش داد. کورئا از این به بعد به نام پرسفونه با خرمی در کنار مادر خود در اولمپ زندگی کرد و هرگاه او برای دیدن شوهرش به زیر زمین می‌رفت، خشکی و سردی همه جا را فرا می‌گرفت. و چون بهار می‌شد پرسفونه بازمی‌گشت تا در کنار مادرش شاد باشد و شادی را هدیه کند.

سخن اهل دل است این و به جان بنیوشیم

دوستان وقت گل آن به، که به عشرت کوشیم

جنبه‌های منفی کهن الگوی آرتیمیس، دمتر

مهمنترین نقاط ضعف یک آرتیمیس تایپ را می‌توان رفتار تحکمی و واکنش‌های هیجانی و ناگهانی در برخورد با دیگران و توجه نکردن به بعد زنانگی و عواطف مرد مقابله خود دانست. بیشتر مشکلات آرتیمیس بیشتر باعث آزار اطرافیانش می‌شود تا خودش. آرتیمیس به شکل گیری ساختار شخصیت یک زن کمک می‌کند و او را وامی‌دارد که علایق و خواسته‌هایش را پیگیری کند. اگر نتواند خواسته‌های خود را محقق کند و از بیان خودش بازیماند، مضطرب و افسرده خواهد شد. یکی از خصوصیات کهن الگوی آرتیمیس تعقیب و شکار است و از همین جهت به مردان تمایل دارد، ولی، زمانی که مرد بخواهد با او رابطه‌ای عاطفی داشته باشد، تمایلش به مرد و هیجان تعقیب و شکار در او از بین می‌رود. آرتیمیس باید بتواند ارزش عشق و وابستگی را بیاموزد. او خشمی ویرانگر دارد که جهت آن به سمت مردانی است که او را تحقیر کرده و در مقام یک زن بی ارزش بشمارند. او باید پیش از آنکه بخش ویرانگر همه وجودش را در برگرفته و باعث آزار دیگران و نابودی روابطش شود، به آن آگاه شده و تواضع را به او بازگرداند. یکی از عناوین کهن الگوی آرتیمیس، دوردست یا به نوعی دوراندیشی است که نشان دهنده فاصله گیری عاطفی است. در واقع او چندان متوجه احساسات اطرافیانش نمی‌شود. لازم است بیشتر به نظرات دیگران توجه کرده و آگاهانه ارتیباط برقرار کند. اگر یک آرتیمیس تایپ اعمال دیگران را با ترازوی سیاه و سفید خود بستجد، می‌تواند یک مجازات کننده بی رحم باشد. گذر زمان و تجربه، ضعف و آسیب پذیری، حس همدلی را در او تقویت کرده و شخصیت بی رحم او را نرم می‌کند. تمرکز او بر نجات زنان از مردسالاری، می‌تواند باعث شود، ویژگی‌های مثبتی که سنت زنانه هستند، مانند: مراقبت، پذیرا بودن، فداکاری و داشتن روابط و پیوند با دیگران را قربانی کند. جوهره کهن الگوی دیمیتر، این است که در نه گفتن به دیگران ناتوان است. زن آرتیمیسی، فرزندانی وابسته و غیرمستقل بارمی‌آورد. زن آرتیمیسی در هر کاری دخالت

می‌کند. رشد استقلال دیگران او را مضر طرف می‌کند. آرتمیسی‌ها، به طور معمول احساسات و خواسته‌های خود را نادیده می‌گیرند، اگر صلاحیت هایشان نادیده گرفته شود، ناراحت می‌شوند. برای یک زن آرتمیسی، پرورش دیگر خدابانویان به او کمک می‌کند تا علاوه بر عشق مادری، علایق دیگرش نیز، بروز کرده و از ناراحتی‌های ناشی از یک دیمیتری افراطی بودن مصون بماند. از این‌رو، آرتمیسی‌ها باید سعی کنند هیجانات خود را کنترل کرده و به جای واکنش‌های سریع از تکنیک‌های متقاعدسازی استفاده کنند. بعد زنانگی خود را نادیده نگیرند و آن را تقویت کنند. از اینکه گاهی به جنس مخالف نیاز داشته باشند، دوری نکنند. بدانند محظوظ بودن و ترسیدن همیشه نشانه ضعف نیست. انتظار نداشته باشند همه آدم‌ها مثل آن‌ها فکر و عمل کنند. استقلال و خودبادی، وابسته نبودن به مردان، توانایی در مردان، توپایی در مدیریت و پیگیری اهداف از نقاط قوت آرتمیس است. سفر به سرزمین‌های ناشناخته، زندگی در فرهنگ‌های بیگانه، سفرها و اردوهای زنانه، گردش‌های دسته جمعی در طبیعت و پیوستن به کمپین‌های دفاع از حقوق زنان، کهن الگوی آرتمیس را در افراد پرورش می‌دهد. برای رشد این کهن الگو، زنان آرتمیسی می‌توانند، برای خود هدف داشته باشند و اهداف خود را یادداشت و تکرار کنند. نه گفتن را تمرین کنند. شرایط رشد خود را بدون وابستگی به مردان مهیا کنند. برای لذت بردن از زندگی و خوشبخت بودن، مستقل بودن را یاد بگیرند و منتظر هیچ مردی نشوند. تقویت قوای بدنه با ورزش شکل اصلی خود را پیدا می‌کند، پس ورزش کنند و با سرعت راه بروند. تمرین کنند پیش مردان فرصت برابر به دست آورند. اگر تصمیم به انجام کاری گرفتند، عاقلانه آن را انجام دهند و زود کوتاه نیایند. اگر از روابط بی در بی با مردان دچار احساس بی ارزشی می‌شوند، مردان را رها کرده و ایده ازدواج را کنار بگذارند، تا حس یگانگی با خود را تجربه کنند. توانایی‌های فکری خود را برای در زمان حال، تصمیم‌گیری کردن تقویت کنند، مانند دمتر. این موارد برای زنان دیمیتری، اینگونه وصف می‌شود: همیشه فدایکاری و ایثارگری بهترین انتخاب نیست. به خواسته‌ها و نیازهای خود اهمیت دادن، بر نشاط و شادابی زندگی می‌افزاید. دلسویز و مهوروی حدى دارد. زنان دیمیتری باشیستی به فرزندانشان فرصت بدهنند، بالغ و مستقل شوند. کارهایی چون آشپزی کردن برای دیگران، کمک به دیگران، نگهداری از بچه‌های اطرافیان و تقویت حس مسئولیت در مورد کارها و مشکلات دیگران، می‌تواند دیمیتر خواب را بیدار کند.

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم
که در طریقت ما کافریست رنجیدن

نتیجه گیری

خودشناسی یعنی فراتر رفتن از خویش و رسیدن به خود واقعی در سرشت هر آدمی وجود دارد. انسان با خودشناسی می‌تواند به خداشناسی و درک حقیقی از جهان آفرینش برسد. از این سبب است که گفته شده است: هر که خود را شناخت، خدای خود را می‌شناسد. هر علمی نفعی دارد و فایده دانش روانشناسی نیز چنین است که آدمی با شناخت ویژگی‌ها و خصوصیات ذاتی و روحی و روانی خود می‌تواند هم خودش در جامعه راحت زندگی کند و هم دیگران را درک نماید و اگر کسی در جایی برخلاف میل و خواسته او رفتاری داشت، بداند که همه آدم‌ها دارای ویژگی‌های مشابه نیستند و بیش و کم با هم تفاوت دارند. البته، هر کس می‌داند، خودشناسی جنبه اعتقادی دارد و برای تهذیب نفس و برقراری ارتباط معنوی با خدا بسیار مفید و راهگشا است. در واقع این نوع خودشناسی مقدمه خودسازی اخلاقی است. در گروه کهن الگوهای معرفی شده به وسیله یونگ و بولن، زنانی هستند که با مهربانی خود پذیرای دیگران هستند و کوشش می‌کنند دیگران را شاد و خوشحال کنند. این زنان در تیپ شخصیتی کهن الگوی یونگ و بولن، زنان دیمیتری خوانده می‌شوند. آنها بسیار احساساتی هستند، از احساسات دیگران بسیار تاثیر می‌پذیرند با شادی دیگران شاد و با ناراحتی آنها ناراحت می‌شوند. به کار منزل و کارهای هنری و خانگی علاقه دارند و دوستان با وفای برای همسر، فرزندان و اقوام هستند. برای دیمیتر فرزند اولویت اول است. در نتیجه گیری از کهن الگوی آرتمیس این موارد مشاهده می‌شود. آرتمیس‌ها، زنانی مستقل، جسور و هدف‌گرا هستند که برای رسیدن به اهداف خود از هر مانعی می‌گذرند. این زنان در تجارت، ورزش و امور مدیریتی بسیار موفق هستند. علاقه مند به طبیعت گردی و ورزش هستند. این زنان خود را وابسته به دیگران نمی‌دانند و با پشتکار و جنگندگی برای رسیدن به هدف‌های خود کوشش می‌کنند. وجود زنان آرتمیسی در دنیای امروز که به سمت برابری حقوق زنان و مردان پیش می‌رود و کودکان، حیوانات و محیط زیست بیش از پیش نیاز به حمایت دارند، یک موهبت است، ولی، یک زن آرتمیسی باید بتواند ابعاد انعطاف پذیر و توانایی برقراری رابطه با دیگران را در خود پرورش دهد. زنی که دارای تیپ شخصیتی آرتمیس است، می‌تواند دیگران را بیشتر دوست بدارد و در کنار استقلال به صمیمیت و روابط عاطفی نیز، اهمیت بدهد. زنان دیمیتری لازم است که بینش کهن الگوی دیمیتر را در ارتباط با خودشان نیز، به کار گیرند. در مقابل خواسته‌های نایه‌جا و بدرفتاری به خودشان اطمینان دهند که شایسته بهترین رفتارند و باید همان کاری را انجام دهند که خودشان می‌خواهند. برای خودشان وقت بگذارند و اجازه

دهند دیگر انرژی ها و الگوهای کهن در آنها پرورش یابد. هر دو گروه زنان آرکی تاپ آرتیمیسی و دیمیتری می دانند که خواستن توانستن است.

من و ساقی به هم سازیم و بنیادش براندازیم

اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد

منابع و مراجع

[۱] بولن، جین شینودا، ۱۳۹۶، نمادهای اسطوره ای و روانشناسی مردان، مینو پرنیانی، انتشارات آشیان.

[۲] بولن، شینودا، ۱۳۹۸، خرد خاص و جذاب بودن برای زنان در نیمه دوم عمر، مترجم حمید رطبه، ناشر بنیاد فرهنگ زندگی.

[۳] یونگ، کارل گوستاو، ۱۳۹۸، ناخوداگاه جمعی و کهن الگو، فرناز گنجی و محمد باقر اسماعیل پور، تهران: نشر جامی.